فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دهم، شماره سوم (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۵۲-۱۲۹

عوامل مؤثر بر کاهش زیست‌پذیری اجتماعی ــ اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان بانه

عثمان هدایت*؛ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
شهرام باسیتی؛ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

چکیده

اقتصاد مرزی یکی از مهمترین فرصت‌ها و در عین حال چالش‌هایی است که مرزنشینان روستایی با آن مواجه هستند. این امر شرایطی را ایجاد کرده است که به سبب آن، زیست‌پذیری روستایی به عنوان یک چالش اساسی مطرح می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر در پی تأثیرات اقتصاد مرزی بر زیست‌پذیری مناطق مرزی روستایی دهستان ننور با رویکردهای توسعه پایدار و زیست‌پذیری روستایی است. تلفیق نظری و تجربی این دو دیدگاه در خوانش وضعیت زیست‌پذیری روستاهای مرزی می‌تواند علاوه بر توصیف وضعیت وجود، به زمینه‌ها، علل و عوامل مداخله‌ای و پیامدها و راهبردهای اتخاذ شده کمک کند. برای همین منظور، با ۴۶ نفر از مطلعین کلیدی روستاها مصاحبه به عمل آمد. نتایج نشان داد که شرایط جغرافیای و مرزی زمینه‌ی شکل‌گیری اقتصاد مرزی را فراهم آورده است. آنچه حائز اهمیت است شرایطی علّی و مداخله‌ایی _ تجاری‌شدن مرز و ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای _ است که زمینه و علل ناپایداری اجتماعی و کاهش تاب‌آوری اجتماعی-_اقتصادی را به عنوان پیامد اصلی اقتصاد مرزی و تأثیر آن بر روی زیست‌پذیری روستاهای مرزی را فراهم آورده است. راهبردهای اتخاذ شده برای کاهش این پیامدها در قالب اقدامات محلی و نهادی انجام شده است. براساس یافته‌ها، اقدامات مرزنشینان برای زیست‌پذیر نمودن روستاها مثبت اما اقدامات نهادی مقطعی، دارای بار سیاسی و ایدئولوژیکی بوده است. در نهایت نتایج بررسی این یافته‌ها نشان داد که اقدامات صورت گرفته‌ی نهادی، برای این مناطق بی‌کاربرد بوده و غالباً به تشدید ناپایداری و کاهش زیست‌پذیری اجتماعی_ اقتصادی منجر شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، نواحی مرزی، زیست‌پذیری، شهرستان بانه.

* osmaanhedayat68@gmail.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

۱) مقدمه

یکی از مهم‌ترین شرایط و چالش‌هایی که زندگی مناطق مرزی را تحت تاثیر قرار داده است، اقتصاد مرزی است. اقتصاد مرزی به مبادلات و تعاملات تجاری و اقتصادی با آن سوی مرز اطلاق می‌شود که می‌تواند سبب تغییرات اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی شود. این مبادلات و تعاملات ممکن است از راه قانونی و رسمی یا به صورت غیر قانونی و غیر رسمی انجام گیرد. این تغییرات پیامدهای اجتماعی، اقتصادی زیادی برای مناطق مرزی دارد. این پیامدها، متعاقباً به سبب شرایط نزدیکی روستاها به مرزها و ضعف اقتصادی و اجتماعی آنها در تغییرات به وجود آمده، می‌تواند بسیار جدی‌تر و حتی شکننده‌تر باشد. در این شرایط، روستاهای مرزی به عنوان مناطقی که دارای قدرت رقابت و توان مبادلاتی پایین قلمداد می‌شوند در برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای توسعه‌ای هم به حاشیه رانده شده‌اند. روستاهای مرزی، سکونتگاه‌هایی هستند که در عین‌حال، عرصه‌های شکل‌گیری و رشد و تداوم فرصت‌ها و تهدیدها به شمار می‌آیند، و بر کیفیت زیست و نحوه تأمین نیازهای ساکنان تأثیر می‌گذارند. دسترسی به امکانات و خدمات از یک سو و تهدیدهای بوم‌شناختی مرز و جمعیت مهاجر و عوارض ناشی از آن از سوی دیگر، شرایط پیچیده‌ای را در این روستاها به وجود می‌آورد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۹). لذا، برای توسعه‌ی این مناطق راهبردهای و سیاست‌های اتخاذ می‌شود. کشور ایران مانند بسیاری از کشورهای درحال توسعه در طی نیم قرن اخیر درخصوص نحوه برخورد با مسائل روستایی در چارچوب برنامه‌های عمرانی، اقدام به انتخاب راهبردهای خاص نموده که هدف اساسی اغلب این راهبردها، توسعه خدمات زیرساختی و عمران روستاها از طریق اقدامات فیزیکی و زیربنایی نظیر احدث راه و ... با رویکرد ایجاد تغییرات کالبدی بوده است. به مرور چنین تلقی ناقصی از مقوله توسعه روستایی دچار تغییر و تحول اساسی گردیده و به تبع آن راهبردهای به‌کار گرفته شده نیز تغییر یافته است. همچنین امروزه تجربه جهانی نشان دهنده این موضوع است که توسعه روستایی تنها به توسعه کالبدی_فیزیکی و یا توسعه زیرساختی محدود نمی‌شود بلکه چهار مؤلفه نهادی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیطی_فضایی بر آن اضافه شده‌اند. در برنامه-های توسعه‌ای، روستاییان و به‌ویژه روستاییان مرزی به حاشیه رانده شده‌اند. این حاشیه‌ای بودن از یک سو می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، چون خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد. از سویی دیگر می‌تواند معلول سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های ناکارآمد اقتصادی، سیاسی و... باشد. در این بین حوزه‌های روستایی مناطق دورافتاده و مرزی در شرایطی کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرارگرفته‌اند. عدم توسعه‌یافتگی صنعتی در کنار اشتغال بالا در بخش کشاورزی با راندمان تولید پایین، روستاهای کوچک، وضعیت نامطلوب منابع پایه‌ای، فقدان ساختارهای مطلوب حمل و نقل، سطح پایین رفاه و امنیت (Bacsi, 2006: 486)، عمده‌ترین مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی روستاهای این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی فراهم آورده است (Ahmadypour, 2013: 72_73). این امر در معضلاتی همچون مسئله‌ی کولبری، قاچاق کالا، عدم توسعه‌ی کشاورزی و دامداری، توسعه‌ی صنعتی، عدم ثبات کاری مرزنشینان و ... خود را نشان داده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

علی‌رغم اقدامات، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های سازمان‌های ذی‌مدخل مانند کارت پیله‌وری، کارت مرزنشینی روستاییان[۱] بازارچه‌های موقت و ... به ویژه در بحث از ایجاد بازارچه‌های مرزی، این معضلات همچنان باقی مانده و حتی می‌توان گفت تشدید شده‌اند. در این وضعیت و با توجه به شرایط روستایی، ضرورت توجه به زیست‌پذیری آنها، حائز اهمیت دوچندان است زیرا که روستاهای مرزی به دلیل امکانات ناکافی و دسترسی ضعیف، کمبود سرمایه اقتصادی و انسانی و مخاطرات زیست‌محیطی و .. بیشتر در معرض تهدید هستند. علی‌رغم این اهمیت مطالعات کمتری به نسبت زیست‌پذیری شهری به مقوله زیست‌پذیری روستایی اختصاص داده شده است (عیسی‌لو و همکاران، ۱۳۹۳). در بعد عملی و اجرایی اقدامات کمتری برای زیست‌پذیر نمودن روستاهای مرزی انجام شده است. با وجود این، باید پرسید که چه شرایطی و چگونه زیست‌پذیری اجتماعی_اقتصادی روستاهای مرزی را با چالش مواجه کرده است و چه ارزیابی و تحلیلی از وضعیت ناپایداری اجتماعی_ اقتصادی این مناطق می‌توان بدست داد؟

۲) مبانی نظری

توسعه پایدار

توسعه پایدار به معنای «تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب‌رسانی به توانایی نسل‌های بعدی برای برآوردن نیازهایشان است» (نوابخش و ارجمند، ۱۳۸۸: ۲۲). هدف توسعه در کل می‌توان با این وصف به پایان برد که پرورش قابلیت های انسانی و گسترش امکان‌های اوست. برخورداری انسان از زندگی سالم، طولانی، خلاق در محیط زیست غنی و در جامعه مدنی دمکراتیک که هدف نهایی توسعه است (عنبری، ۱۳۹۰ :۳۸۶). بنابراین توسعه پایدار فرایندی است که طی آن افراد یک کشور نیازهای خود را برآورده می‌کنند و سطح زندگی خود را ارتقا می‌بخشند بی‌آنکه از منابعی که به نسل‌های آینده تعلق دارند مصرف کنند و سرمایه آتی را برای تامین خواسته های آنی به هدر ندهند. بنابراین توسعه را زمانی پایدار می‌خوانیم که مخرب نباشد و امکان حفظ منابع را برای آیندگان فراهم آورد (زاهدی، ۱۳۸۸: ۵). با درنظر داشتن این تعاریف می‌توان گفت که توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است حرکت می‌کند (قلی‌پور و آقاجانی، ۱۳۹۳: ۲). یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار همانا پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. تاکنون دامنه گسترده‌ای از مفاهیم در خصوص پایداری اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی، اجتماعات پایدار، تاب‌آوری اجتماعی، توسعه اجتماعی، ظرفیت اجتماعی و رفاه و محرومیت اجتماعی صورت گرفته، که حاصل تغییر نگرش به مفهوم توسعه به معنای عام و توسعه روستایی به معنای خاص آن بوده است (Barron and Gaunlett, 2002: 4-5). بسترسازی به‌منظور ظهور

[۱] درتاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ طرحی که در قالب کارت مرزنشینی به روستاهای مرزنشینی که در ۲۰ کیلومتری مرز قرار داشتند داده شد، فعالیت آنان در مرز، در چهارچوب بازارچه‌های مرزی و تعاونی‌های مرزنشین صورت می‌گیرد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

و بروز خلاقیت‌ها، بسیج آحاد مردم در جهت تأمین اهداف توسعه پایدار، و نیز اطمینان از «آینده‌ای بهتر برای همه» با تاکید بر رفاه مردم بومی و تأکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه از ارکان تعریف پایداری اجتماعی و اقتصادی است. گروهی نیز معتقدند که پایداری اجتماعی دربرگیرنده‌ی برابری، تأمین خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت، برابری جنسیتی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت اجتماعی است (Harris,2000: 6). مفهوم پایداری اجتماعی عمدتاً با ابعاد کیفی گره خورده است و با مفاهیمی چون «زندگی انسانی» و «احساس رفاه» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Goodland, 2003: 1-6). گاه در تعریف پایداری اجتماعی بر خواست مردم به زندگی در مکانی معین اشاره می‌شود و بر توانایی آنان در استمرار چنین روندی – چه در زمان حاضر و چه در آینده- تاکید می‌گردد (Long, 2003: 5). شناخت پایداری اجتماعی در سطح جوامع روستایی با مفهوم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه است و با مؤلفه‌هایی چون قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن، امنیت، درآمد و میزان محرومیت سنجیده می‌شود (Bryden, 2002: 9). در این معنا، رفاه و پایداری اجتماعی نمی‌تواند بدون سلامت محیط و تحرک اقتصادی پایدار باشد، به‌طوری که با تعامل سه‌گانه ابعاد پایداری است که کاهش فقر، سرمایه‌گذاری اجتماعی و جامعه‌ای امن از بعد اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین، این موضوعات را می‌توان همراستا با یک مقوله‌ی به نسبت جدید در مباحثات توسعه پایدار [روستایی] مورد خوانش نظری و تجربی قرار داد. زیست‌پذیری روستایی مقوله‌ای است که می‌تواند به سان یک مقوله نظری و مفهومی سطوحی گسترده‌ای از توسعه پایدار را نشان داده و دریچه‌ای جدید به مطالعات در این زمینه را بگشاید.

زیست‌پذیری روستایی

زیست‌پذیری[1] مفهومی کلی است که با برخی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر همچون پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان، و اجتماعات سالم مرتبط است (Norris & Pittman, ۲۰۰۰). زیست‌پذیری غالباً برای تعریف ابعاد مختلف اجتماع و تجربه های مشترکی که آن را شکل می‌دهند، به کار گرفته می‌شود. و بر تجربه انسان از مکان تمرکز می کند و آن را در ظرف زمانی و مکانی مشخصی در نظر می‌گیرد. از دیدگاه برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان مختلف، بسته به حیطه عمل هر یک از آنها در تعریف روستایی زیست‌پذیر در برخی از اصول بیشتر جلوه‌گر شده است. روستای زیست پذیر از یک سو به گذشته‌های تاریخی و ریشه‌های روستاییان احترام می‌گذارد و از سوی دیگر به آنان که تاکنون متولد نشده‌اند نیز اهمیت می‌دهد. این نوع روستا علیه هرگونه اتلاف منابع مبارزه می‌کند؛ بنابراین روستای پایدار نیز محسوب می‌شود (National Economic and Social Council, ۲۰۱۰). روستاهای زیست‌پذیر مکان-هایی برای زندگی اجتماعی، ارتباط و گفتگو هستند. این روستاها معطوف به خلق محیط سکونت و فعالیت و طراحی فضای عمومی به گونه ای که زمینه‌ساز حضور ساکنان در قلمرو عمومی فراهم می‌کند (Omar: ۲۰۱۰). زیست‌پذیری به قابلیت و توانایی محیطی، فیزیکی و انسانی، اقتصادی و اجتماعی یک مکان اشاره دارد که در مقابل تغییرات و تحولات پیش‌رو بتواند این قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها را بکار برد و به

[1] Livability

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

این سبب بتوان کیفیت زندگی را بالا برد. بنابراین گذشته از وضعیت کنونی، شرایط و امکان‌های آینده برای زندگی بهتر هم مدنظر است. بنابراین، زیست‌پذیری هدف اجتماعات روستایی، تأمین شرایط بهزیستانه و رفاهی برای روستاییان است؛ زیرا امروزه نظریه توسعه تئوری هدایتگر برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌های روستایی است. توسعه اجتماعات در امتداد طیفی از منابع اساسی برای رفاه و بهزیستی صورت می‌گیرد که یکی از اهداف غایی آن می‌تواند زیست‌پذیری محیط‌های زندگی و فعالیت باشد. در این چارچوب، سرمایه‌های طبیعی اجتماعی پایه و اساس این پیوستار است. سرمایه‌ها و کالاهای فیزیکی ساخته شده به وسیله اجتماعی خروجی‌های اقتصادی را تولید می‌کنند و به کمک دانش و فناوری توسعه می‌یابند. سرمایه انسانی نیز شامل ساختار دموگرافیکی و توانایی‌های جمعیتی است و عنصر نهایی موردنیاز برای دستیابی به سطوح بعدی توسعه یعنی سرمایه اجتماعی محسوب می شود. سرمایه اجتماعی نیز مجموعه ویژگی‌های مشترک اجتماع مانند دانش، اعتماد و... است که مختص دستیابی به رفاه و بهزیستی است (Meadows, 1998: 43).

به طور کلی باید گفت که رویکرد این تحقیق با توجه به تعاریفی که از مفاهیم ارائه و رویکردهای نظری که تشریح شد، زیست‌پذیری پایدار است که ذیل دو مفهوم کلی توسعه پایدار و زیست‌پذیری مطرح شد. تلفیق نظری و تجربی این دو مفهوم راهگشای مباحث این پژوهش است تا بتوان علاوه بر توصیف وضعیت زیست‌پذیری روستاهای مرزی مورد مطالعه بتوان تحلیلی از کاهش زیست‌پذیری آنها با توجه به تاثیر اقتصاد مرزی مورد خوانش نظری و تجربی قرار داد و براساس یافته‌ها، به نتیجه‌گیری و ارائه راهکار همت گماشت. لذا لازم است به مطالعات انجام شده در مورد وضعیت روستاهای مرزی از نظر اجتماعی و اقتصادی و همچنین زیست‌پذیری مناطق روستایی پرداخته شود تا بتوان با دیدی کل‌نگرانه و در چهارچوب مطالعات پیشین میدان مورد مطالعه را مورد تحلیل قرار داد.

هدایت، عثمان و باسیتی، شهرام (۱۴۰۰)، در مقاله «مرزنشینان و وابستگی به نهادهای حمایتی مردم‌نگاری نهادی سیاست‌های حمایتی در روستاهای مرزی دهستان خاو و میرآباد شهرستان مریوان»، به تحلیل چگونگی وابسته شدن مرزنشینان به کمک‌های حمایتی نهادهای دولتی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های نهادی در راستای حمایت‌ها از مرزنشینان، بی‌اثر و غالباً نتیجه منفی داده‌اند. در مقابل اقدامات مرزنشینان روستایی که در مقوله‌ی اقدامات خودجوش مردمی تشریح شده است، دال بر رویارویی و پُرکردن خلاءهای این اقدامات و سیاست‌ها بوده است. اقداماتی از جمله مشارکت عمومی مردم در کشاورزی و دامداری، ایجاد صندوق‌های خیریه، همیاری عمومی در عمران و بازسازی روستاها واکنشی به سیاست‌ها و وضعیت ناپایدار اقتصادی و اجتماعی این مناطق بوده است.

هدایت، عثمان و باسیتی، شهرام (۱۳۹۹)، در مقاله «مرزنشینی، اقتصاد مرزی و آسیب‌های خانواده موردمطالعه؛ شهرهای مرزی بانه و مریوان)»، که با روش نظریه‌ای زمینه‌ای انجام داده‌اند به این نتایج رسیدند که شکاف و نابرابری اقتصادی، عدم سرمایه‌گذاری و بیکاری جوانان و وابسته بودن مردم به معیشت مرزی ناپایدار و افزایش هزینه زندگی و شیوع فساد در مرز از مهم‌ترین پیامدهایی است که اقتصاد مرزی در این مناطق ایجاد کرده است. این وضعیت با کولبری به‌عنوان آسیب این اقتصاد و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

درعین‌حال به وجود آوردن آسیب‌هایی دیگر از جمله افزایش آسیب‌های جنسی و جسمی، افزایش خشونت خانگی، مصرف مواد انرژی‌زا برای کولبری و پایین آمدن سن کولبری اشاره کرد. این وضعیت همچنین آسیب‌های پایین آمدن سن آسیب‌دیدگان، طلاق‌های زودهنگام و شیوع مسائل جنسی خانواده‌ها، آسیب‌های فضای مجازی و طلاق عاطفی زوجین را تشدید کرده است که با کمبود آموزشها، این آسیب‌ها نادیده گرفته شده‌اند.

دانش‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ی «توسعه مرز محور و اضمحلال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماعات مرزی؛ با تاکید بر نقد بازارچه‌های مرزی (مورد مطالعه؛ بازارچه‌های مرزی ننور شهرستان بانه و خاو و میرآباد شهرستان مریوان)» با روش زمینه‌ای به تاثیرات توسعه‌ی مرزمحور در قالب ایجاد بازارچه‌ها پرداخته‌اند. مقولات اصلی عبارتند از؛ کمبود زیرساخت‌های توسعه‌ای، اضمحلال بخش کشاورزی و دامداری و انزوای فرهنگی_اجتماعی، ناکارآمدی در سیاست‌های ترمیمی. تحلیل این مقولات، آنها را به مقوله‌ی هسته‌ای یعنی طرد نهادی و ساختاری اجتماعات مرزی سوق داد. بر مبنای آن، منطق حاکم بر توسعه‌ی مرز محور با ارائه بازارچه‌ها به عنوان مهمترین محور توسعه در این مناطق، اجتماعات مرزی را طرد نموده است و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آنها را به اضمحلال کشانده است.

دانش‌مهر و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله «زیست جهان مرزنشینان و سیاست‌های گمرکی مطالعه‌ای درباب کول‌بران شهرستان مریوان»، با رویکرد پساتوسعه، به بررسی و تحلیل سیاست‌های گمرگی در به حاشیه‌رانی مرزنشینان و به تبع کولبران، می‌پردازند. نتایج از تحلیل داده‌ها، حاکی از حذف کولبران (نقش و جایگاه، اجتماع و فرهنگ و اقدامات آنها) در سیاست‌ها و اقدامات گمرگی می‌باشد. گمرک، با راهبرد حفظ کولبران در عینحال حذف کول‌بران از سیاست‌هایش، و با سازوکارهایی نظیر اختصاص کارت مرزنشینی، پیله‌وری و ایجاد بازارچه‌های مرزی در چنین جهتی عمل می‌کند. کولبران برای پر کردن خلأ ناشی از این حذف، به اقداماتی از جمله تشکیل شورای مرز تشکیل گروه‌های غیررسمی و محلی، تأسیس تعاونی مرزنشینان و اعتراضات مدنی دست زده‌اند که غالبا به دلیل همین حذف، ناکارآمد و بی‌تأثیر بوده است.

محمد، سعدی و هوشنگی، هیمن (۱۳۹۷)، در مقاله «تحلیلی بر نقش بازارچه های مرزی در زیست پذیری نواحی روستایی (موردشناسی: دهستان‌های خاو و میرآباد و دزلی در غرب استان کردستان)» به این نتایج رسیده‌اند که بازارچه‌های مرزی تأسیس شده موجب ارتقای سطح قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه نسبت به دورهٔ قبل از تأسیس شده‌اند و از سویی دیگر نیز در میان ابعاد چهارگانهٔ زیست‌پذیری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی)، بُعد اقتصادی است که بیشترین تأثیر را در افزایش فضای زیست‌پذیر روستاها داشته است. همچنین شاخص بهبود وضعیت مساکن روستایی، ارزش زمین‌های روستا و افزایش درآمد روستاییان نیز دارای بیشترین اثرپذیری و بهبود وضعیت به دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی و فعالیت مردم محلی در آن‌ها هستند.

ویسی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)»، به تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی پیران و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

دره‌وران بر تأمین معیشت پایدار روستاییان بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان با روشی توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و میدانی مبتنی بر مصاحبه، مشاهده و توزیع پرسشنامه در میان روستاییان پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که تأسیس بازارچه‌ها معیشت پایداری را برای روستاییان رقم زده است. همچنین تأسیس بازارچه‌ی مرزی با کاهش آسیب‌پذیری روستاییان در برابر بحران‌ها و شوک‌ها و تنوع معیشتی، زمینه‌ساز افزایش پایداری معیشت روستاییان شده است.

احمدرش و عبده‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله «مطالعه کیفی بازنمایی پیامدهای اقتصاد مرزی در زندگی مرزنشینان کردستان» به پیامدهای اقتصاد مرزی در زندگی مرزنشینان پرداخته که یکی از نتایج آن به بحث آموزش و تحصیلات می‌پردازد. نتایج حاکی از این است که از پیامدهای سیاست‌های اقتصاد مرزی، اُفت کمّی و کیفی تحصیلات جوانان است، که شدت آن با اوج رونق بازار و تجارت مرزی همزمان بوده است. از دیگر پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی، از لحاظ اشتغال متناسب و متوازن نبوده و بیشتر افراد دارای نفوذ و قدرت از آن سهم برده اند.

حکیم‌دوست و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «تحلیل فضایی پهنه‌های خطرپذیرزیستی و فعالیتی سکونتگاه‌های روستایی مناطق مرزی، مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی شهرستان هیرمند» به این نتیجه رسیده‌اند که روستاهای نزدیک به خط مرزی دارای زیست‌پذیری ضعیف‌تری هستند و خوشه‌های سرد در این مناطق متمرکز گردیده‌اند و مناطق روستایی شمال شهرستان به دلیل وابستگی به اقتصاد کشاورزی و کمبود منابع آب‌رود هامون در شمال شهرستان دارای زیست‌پذیری ضعیف‌تری هستند.

سیمورا[۱](۲۰۰۸)، در مقاله «اصول جامع زیست‌پذیری» اصولی را برای تحقق زیست‌پذیری روستایی در نظر دارد که مهمترین آنها، حیات‌بخشی پایدار، امنیت، بهروری مالی و سازگاری و تعادل، دسترسی، احساس تعلق هستند. او نشان می‌دهد که این اصول ممکن است با توجه به روستا و موقعیت اقتصادی، امنیتی و مکانی آن تغییر کنند و هر مکانی اولویت به شرایط ویژه‌ای بدهد.

لی بائوپه[۲]و همکاران (۲۰۰۴)، به بررسی «اثرات اقتصادی و اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم در سه ایالت لائوس» پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که تجارت مرزی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ساکنان محلی تأثیر دارد و که می‌توان به اشتغال و مبادله‌ی کالا از نظر اقتصادی اشاره کرد. علی‌رغم بالا بردن استاندارهای کیفیت زندگی در مناطق مرزی، تاثیرات منفی اجتماعی از جمله عدم ثبات و امنیت اجتماعی، فروپاشی روابط و بازاری‌شدن از دیگر پیامدها هستند.

ورگونست[۳](۲۰۰۳)، در کار تحقیقی «زیست‌پذیری و استفاده از زمین‌های زیست‌محیطی چالش بومی‌سازی»، نشان می دهد که پنج عامل ساکنان محلی و شیوه زندگی آنها، دسترسی و ارتباطات محل، اقتصاد محلی و مکان فیزیکی است.

[۱] Seymoar
[۲] Leebouapao
[۳] Vergunst, P

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

آنکارتین، نایبور[۱](۲۰۰۲)، در مقاله «اثر ادغام و یکپارچه‌سازی در مناطق مرزی و بررسی تئوری‌های اقتصادی و مطالعات تجربی» به این نتیجه رسیده است که اگر روابط بین مناطق مرزی بین دو کشور با هم به‌صورت یکپارچه باشد و بتوانند روابط اقتصادی خود را سازمان دهند، مناطق مرزی ازنظر اقتصادی پیشرفت بیشتری را حاصل می‌شوند، و همچنین به عقیده وی ازآنجایی که تعادل فضایی ادغام و یکپارچگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد ممکن است که هزینه‌های حمل و نقل بین‌المللی را آسان کند و حرکات سازنده مرزی را تغییردهد.

۳) روش تحقیق

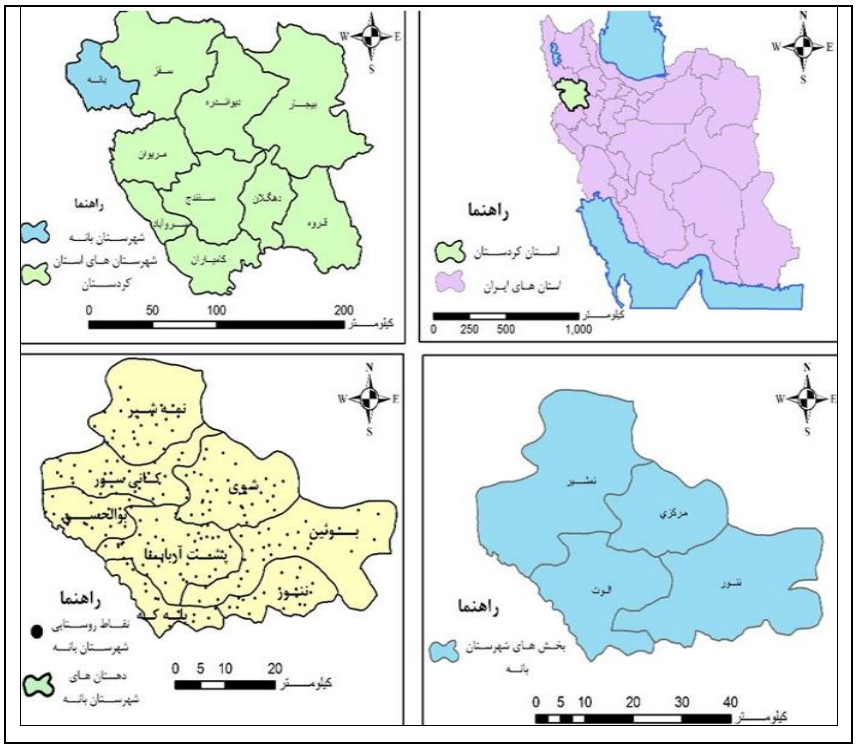
با توجه به ماهیت و موضوع مورد بحث، روش‌شناسی کیفی اتخاذ شده است. در میان روش‌های کیفی، روش نظریه‌ی زمینه‌ای با توجه به ویژگی‌هایی مانند قابلیت نظری، ارتباط مداوم و فعال محقق با موضوع تحقیق و قابلیت اصلاح اهمیت زیادی برای تدوین چارچوب‌های نظری جهت شناخت مسئله اجتماعی دارد. نظریه‌ی زمینه‌ای ابتدا در سال ۱۹۶۷ توسط *بارنی گلاسر و آنسلم اشتروس* ابداع شد و در کتاب مشهور آنان تحت عنوان *کشف نظریه زمینه‌ای* منتشر گردید. آن‌ها این روش را یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کرده‌اند که می‌تواند به تولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی گردد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴). در واقع هدف عمده‌ی رهیافت نظریه زمینه‌ای کاوش در فرآیندهای اجتماعی و موضوع‌هایی است که ماهیتی فرآیندی، سیال و در حال شدن دارند. از این‌رو سؤالات و اهداف این تحقیق نیز به صورت فرآیندی، باز و انعطاف‌پذیر طرح شده‌اند چرا که محقق ممکن است مجبور شود سؤال‌ها یا اهداف تحقیق را در خلال اجرای تحقیق تغییر داده یا اصلاح کند. این به معنای آن است که رهیافت نظریه زمینه‌ای مانند روش‌شناسی کمی، خطی یا الگومند نیست، بلکه یک فرایند بسیار انعطاف‌پذیر، غیرخطی و شناور را دنبال می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۲).

با توجه به موقعیت و ماهیت پژوهش حاضر از ابزار «مصاحبه‌ی نیمه ساخت‌یافته» استفاده می‌کنیم. همچنین برای انتخاب افراد مورد مصاحبه از نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری هدفمند[۲]استفاده می‌شود و از آنها سوالات کلی مربوط به اهداف پژوهش پرسیده می‌شود. مدت زمان مصاحبه که در محل اقامت آنها انجام شده است، بین یک تا دو ساعت متغییر بوده است. مصاحبه‌ها، با ۴۶ نفر از مطلعین کلیدی که شامل دهیاران، شوراها و روحانیون ۱۴ روستای دهستان ننور[۴]می‌باشد انجام شد. طبق نقشه زیر دهستان

[۱] Annekatrin Niebuhr
[۲] Purposive sample
[۳] theoretical sample
[۴] شهرستان بانه دارای چهار بخش مرکزی، نمشیر، ننور و آرمرده است. دهستان ننور، یکی از دو دهستان بخش ننور شهرستان بانه با مرکزیت روستای ننور است که در مختصات ۴۵ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۴۵ درجه ۵۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است دهستان ننور ۳۴۸۴ نفر جمعیت دارد که از این تعداد ۱۷۶۲ نفر مرد و ۱۷۲۲ نفر زنان هستند. بازارچه مرزی سیرانبند و بازارچه موقت هنگه‌ژال (فعالیت آن متوقف شده است)، مهمترین بازارچه‌های شهرستان بانه هستند که در این شهرستان قرار دارند. همچنین مرکز آزاد تجاری بانه در این دهستان قرار دارد که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. (فرهنگ آبادی‌های استان کردستان، ۱۳۹۵)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

ننور در دارای موقعیت مرزی با ۱۷ روستا می‌باشد که وجود بازارچه مرزی سیرانبند و منطقه آزاد تجاری بانه به این دهستان نقشی ویژه بخشیده است.



شکل ۱. نقشه موقعیت دهستان ننور در سلسله مراتب تقسیمات فضایی

برای اعتبار تحقیق حاضر از دو نوع اعتبار تفسیری[۱] و اعتبار نظری[۲] استفاده می‌شود. که اعتبار تفسیری با توجه به تفسیر داده‌های بدست آمده و سنخیت آنها با داده‌های دیگر قابل بررسی هستند و اعتبار نظری هم از راه مرتبط بودن داده‌های گردآوری‌شده با نظریات مورد بحث به مداقه نظری و تجربی گذاشته می‌شود. بنابراین، از مصاحبه‌های مرتبط و در راستای اهداف پژوهش استفاده می‌شود و این مورد را می‌توان به زعم فلیک (۱۳۸۷) «انتخاب گزینشی» داده‌ها نامید.

در روش نظریه زمینه‌ای بعد از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای و متنی، تحلیل و کدبندی در امتداد با نمونه‌گیری نظری آغاز می‌شود. فرآیند انجام کدبندی در نظریه‌ی زمینه‌ای مبتنی بر روش مقایسه‌های ثابت است. روش مقایسه‌های ثابت به تحلیل تطبیقی بخش‌های متفاوت داده‌ها برحسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها اطلاق می‌شود. درواقع، این روش بر مقایسه رویدادها با همدیگر برای درک شباهت‌ها و تفاوت‌ها استوار است. در فرآیند کدگذاری، محقق باید به کُدبندی یا مفهوم‌بندی داده‌های گردآوری‌شده بپردازد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۶). «کدگذاری[۳] نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه‌پردازی داده‌محور گردآوری شده‌اند. این روش را گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) مطرح

[۱] Interpretive validity
[۲] Theoretical validity
[۳] Axial coding

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

کردند و بعدها توسط گلیزر (۱۹۷۸)، استراوس (۱۹۸۷) و استراوس و کوربین (۱۹۹۸) بسط پیدا کرد» (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲۹). از نظر استراوس و کوربین «کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خُرد می‌شوند، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. کدگذاری روند اصلی ساختن و پرداختن نظریه از داده‌هاست» (اشتراوس و کوربین،۱۳۹۴: ۱۲۴). مفهوم‌پردازی از داده‌ها اولین قدم تجزیه و تحلیل به شمار می‌رود. کُدگذاری نظریه زمینه‌ای سه نوع است. این‌ها عبارتند از: الف) کُدگذاری باز ب) کُدگذاری محوری ۲ ج) کُدگذاری گزینشی. نباید این روش‌ها را به‌کلی متمایز با یکدیگر یا مراحلی به لحاظ زمانی مجزا در فرآیند تفسیر به شمار آورد، بلکه این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آن‌ها را جابه‌جا یا با یکدیگر تلفیق می‌کند. با این حال فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرآیند تحلیل کدگذاری گزینشی بیش‌تر مطرح می‌شود.

اشتراوس و کوربین انواع طبقاتی را مشخص کرده‌اند که درباره پدیده‌محوری می‌توان شکل داد. این طبقات شامل شرایط علّی[۱](عواملی که موجب پدیده[۲]محوری شده‌اند)، استراتژی‌ها یا راهبردها[۳](اقدامات اتخاذشده در پاسخ به پدیده محوری)، شرایط مداخله‌گر و[۴] زمینه[۵](عوامل وضعیتی عام و خاص که برای استراتژی‌ها تاثیر می‌گذارند)، و پیامدها (نتایج حاصل از به‌کارگیری استراتژی‌ها) می‌شوند (کراسول، ۱۳۹۴ : ۸۸). به عبارت دیگر؛ به موجب آن مدل پارادایمیک[۷]حاصل می‌شود که از آن پدیده محوری که از موقعیت و زمینه، اکتشاف می‌کنیم، استخراج می‌شود. علل و موجبات اصلی که پدیده ی مورد اکتشاف، مقوله‌ی اصلی آنها ناشی می‌شود (موجبات علی). کنش‌گران بر اثر موجبات علی دست به چه راهبردهای رفتاری و تاکتیک هایی می‌زنند؟ به چه اعمال و شیوه هایی مبادرت می‌کنند؟ و چه تدابیر و ترفندها و شگردهایی به اقتضای زمینه‌ها و شرایطی که در آن قرار دارند در پیش می‌گیرند؟ (راهبردها) و شرایط زمینه ای که موجبّات در آن شرایط و زمینه‌ها بر پدیده‌ی اصلی تأثیر می‌گذارند؟ (زمینه‌های خاص) و همچنین تأثیر موجبات علی و زمینه‌ای خاص، با چه عوامل عمومی محیطی تعدیل می‌شوند؟ (عوامل واسطه‌ای و مداخله‌کننده) در نهایت به پیامدهای می‌رسیم که مجموع موجبات علی و راهبردهای اتخاذ شده‌ای است که به نتایج و پیامدهایی منتهی می‌شوند (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۱۰۱). بنابراین در انتهای پژوهش مدل پارادایمیک حاصل از یافته‌ها ترسیم می‌شود.

۴) یافته‌های تحقیق

برای پیشبرد کار، ابتدا مصاحبه‌ها پیاده شده و سطر به سطر و با توجه به سوالات و موضوعات حول محور اهداف پژوهش مورد تفکیک و سپس تحلیل قرار گرفته‌اند. بر همین اساس و با توجه به روش-

[۱] Causal Conditions
[۲] Phenomenon
[۳] Strategies
[۴] Intervening Condition
[۵] Context
[۶] Consequences
[۷] Paradigm model

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

شناسی تحقیق، مفاهیم از مصاحبه‌ها بیرون کشیده شدند. مفاهیم ذیل شرایط و چگونگی شرح وضعیت به مقولات اولیه تقلیل داده شده تا گویای بحث مورد نظر باشند. سپس بر اساس آن مقولات ثانویه از مقولات اولیه بیرون کشیده شده و مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفتند. سپس شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌ای، پیامدها و راهبردها حول پدیده‌ی اصلی پژوهش با استفاده از اعتبار تفسیری و روایی مصاحبه‌ها توضیح داده شده است که به قرار زیر است؛

جدول ۱. مفاهیم، مقولات و شرایط مأخذ از مصاحبه‌ها

شرایط/ پیامد/ راهبرد	مقولات ثانویه	مقولات اولیه	مفاهیم
شرایط زمینه‌ای: شرایط جغرافیایی و مرزی	شرایط توپوگرافی منطقه	شرایط ناهموار زمین‌ها	وجود زمین‌های قطعه قطعه شده ناشی از ارث بری، وجود ارتفاعات، کمبود زمین برای کشاورزی، خریدن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به خانه باغ، در دست داشتن زمین‌های مرغوب در دست خانزاده‌ها، به زیر آب رفتن زمین-های کشاورزی با ایجاد سد عباس‌آباد، وجود جنگل بلوط، شرایط ناهموار زمین‌ها، پایین آوردن محدوده‌ی مرزی پاسگاه‌ها، ضبط دام‌های دامداران به بهانه پاسداری از مرز و ممانعت از خروج دام، ندادن مجوز و راه‌های سخت اداری و داشتن ضامن برای گرفتن وام، عدم تمایل ساکنان به گرفتن وام به دلایل مذهبی، ممانعت از حفر چاه، خریدن زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری آنها، مشکلات خانوادگی ورثه‌ها، قطعه قطعه‌شدن زمین‌ها در دست ورثه، افزایش روند خرد شدن ارضی، کم‌کاری کشاورز، اختلاف سودآوری زمین‌ها، نبود سنخیت کشاورزان با یکدیگر، مشکلات و دعواهای کشاورزان بر مرزبندی زمین‌ها، مشکلات مرزبندی به دلیل اهمیت مالکیت، نبود مدیریت و اجبار به یکپارچگی، تخریب جنگل و قطع درختان به علت نبود کار، آتش-سوزی در جنگل‌ها و تصرف منابع طبیعی، تداخلات ارضی با منابع طبیعی، تداخلات ارضی با روستاهای کردستان عراق. تداخلات اراضی با هنگ مرزی
		خرد شدن اراضی	
	شرایط مرزی حاکم	عدم رغبت به استفاده از منابع زمین	
		تداخلات ارضی	
شرایط علی: تجاری شدن مرز	دگردیسی اجتماعی-فرهنگی	ذهنیت بازاری حاکم بر مرزنشینان	مرز بدون قاچاق و پیله وری معنایی ندارد. در ایران مرز بانه مشهور شده است. چند سالی که بازارچه هنگه ژال فعال بود به نان و نوایی رسیدم. ، ناتوانی افراد محلی در شریک شدن در مبادلات کالایی در مرز، فقدان به رسمیت دانستن مرز سیرانبند و بازارچه های موقت، وجود بازار سیاه، اضمحلال کشاورزی و دامداری، طرد سالمندان، تغییر در ارزشها ، بازاری شدن روابط، ملاک شدن پول، افزایش بی سوادی، کاهش رغبت به درس خواندن، کمبود امکانات آموزشی و مدارس شبانه روزی، ترک تحصیل دانش آموزان، افزایش کولبری، آسیبهای روانی و جسمی کولبری، تیراندازی و کشته شدن کولبران، عدم کفایت درآمد حاصل از کولبری، نبود پشتوانه مالی و بیمه روستایی،
		ضعف آموزش و تحصیلات	
	کاهش تعادل اقتصادی	افزایش کولبری و آسیبهای آن	
		ضعف بازارچه های مرزی و افزایش قاچاق کالا	

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

		تصرف زمین توسط سرمایه‌داران	
نگاه امنیتی و نظامی به مناطق، تخلیه روستاها به دلیل عدم خدمات و زیرساخت‌ها، نبود کارگاه و کارخانه، ممانعت نهادها برای ایجاد کارخانه و کارگاه تولیدی، نبود سرمایه لازم برای سرمایه گذاری، نگاه امنیتی به مرز و مرزنشینان ، مخاطرات نظامی، تیراندازی، کشتار کولبران، زخمی شدن حیوانات برا ثر تیراندازی، کاهش توجه به کشاورزی و دامداری از طرف دولت و مردم.	ضعف زیرساخت‌های توسعه ای	ممانعت نهادی در تولید	شرایط مداخله ای: ضعف زیرساخت‌ها
		عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و دامداری و صنعتی	
		نگاه امنیتی و نظامی به مناطق	
هزینه‌های گران ناشی از صادرات کالاهای اولیه و خوراکی، نبود فروشگاه‌ها و مراکز خرید در روستاها، عدم فروش محصولات روستاییان در بازارچه، در بعضی از روزها هیچ خوراکی ای گیر نمیاد، در بعضی وقت‌ها میوه کیلویی هزار تومن و کمتره، هزینه با دخلمون نمی‌خونه، عدم امکانات رفاهی و بهداشتی در بازارچه، ممانعت از اشتغال های ثابت و با مهارت. کارگری فصلی و موقتی، درآمد ناکافی، تعدد دلالان و اشترکات آنها با بازارچه‌ها، همه سود به جیب دلال میره، مرز وابسته است به دلالانه، کالاهای صادراتی از جاهای نامعلومی میاد، وابسته شدن مردم به کمیته امداد و بهزیستی و سپاه، بازارچه هیچ نقشی در تامین مایحتاج ما نداره، هرچیزی که صادر نمیشه و میمونه میارن به ما می فروشن، روی آوردن شهرنشینان به روستاها و مهاجرت معکوس و گران شدن هزینه بهای خانه و خرید ملک، نبود زمین مسکونی برای ساخت، مردم هرچی پول داشتن توی شهر خونه و ماشین و..خریدند. مردم اینجا اند و سود کارشون رو به شهر می برن، توی شهر سرمایه حفظ میشه و خودش یه نوع سرمایه گذاریه. مهاجرت و تخیله روستاها	فقر معیشتی	هزینه‌های بالا در مناطق	پیامدها: ناپایداری و کاهش تاب آوری اجتماعی_ اقتصادی
		وابستگی به نهادهای حمایتی	
		بیکاری شدید	
	ناپایداری و ضعف زیست-پذیری روستایی	عدم فروش محصولات روستاییان و بازار دلالی	
		مهاجرت شدید به شهر	
رونق دوباره روستانشینی، مهاجرت معکوس، گران شدن اراضی و منازل روستایی، کوچه تراشی و آب رسانی، فاضلاب کشی، پاک کردن روستا از زباله، اهمیت دادن به پیاده روها و معابر، توجه به نقشه کشی روستاها، درک اهمیت کشاوری مدرن، استفاده از ابزارآلات مدرن کشاورزی و باغی، بی کارکرد بودن اقدامات دولت، ابزاری نمودن اقدامات نهادها، عدم فایده کارت مرزنشینی، نبود خدمات تعاونی مرزنشینان، عدم واریز به موقع سهم مرزنشینی، پارتی بازی در اهدا کارت سوخت و مرزنشینی، مقطعی بودن اقدامات، بی توجه به نتیجه اقدامات توسط نهادها، تداخل عملکردی نهادها، نبود انگیزه رفع مشکلات از سوی نهادها،	اقدامات محلی	عمران و بازسازی روستاها	راهبردهای اتخاذ شده: اقدامات نهادی و محلی
		رونق کشاورزی و روی آوردن به دامداری مدرن	
		بازگشت به روستا و مهاجرت معکوس	
	اقدامات نهادی	کارت مرزنشینی	
		کارت سوخت مرزنشینی	
		ایجاد تعاونی مرزنشینان	

خلاصه مصاحبه‌های انجام شده (۱۳۹۹)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

شرایط زمینه‌ای: شرایط جغرافیایی و مرزی

یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی دوری از مرکزحکومت و یا پایتخت است. این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی در پی دارد که مهمترین آن محرومیت شدید و حاشیه ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن در مسیر امواج توسعه‌ای کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور که، به معنای دوری از مراکز تصمیم گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی است باعث می‌شود مناطق مرزی هم به دلیل این دوری و هم به دلیل فقدان قابلیت‌های جمعیتی و صنعتی در این مناطق کمتر در جریان برنامه‌های توسعه داخلی قرار گیرند لذا این مناطق از محرومیت شدیدی رنج می‌برند. مصاحبه‌ها حاکی از آن است مرز، محرومیت را سبب می‌شود؛

"به نظر من آنچه که ما را از همه چیز محروم کرده است، وضعیت مرزنشینی ما است. چه از نظر توسعه اقتصادی و چه از نظر زیرساخت‌ها و امکانات" (م، دهیار روستای ننور)

اما در مورد وضعیت جغرافیایی و تأثیر آن بر توسعه این مناطق می‌توان به کمبود زمین‌های کشاورزی و شرایط توپوگرافی اراضی اشاره نمود که مانع دامداری و کشاورزی در دهستان ننور است. این منطقه به علت داشتن جنگل‌های بلوط، تپه‌ها و کوه‌ها زمین‌های قابل استفاده برای زراعت نمی‌باشند. قطعه قطعه شدن زمین‌ها ناشی از حق ارث‌بری، و کوچک بودن زمین‌ها آنها را بی‌استفاده نموده است. زمین‌های مناطق ننور، به علت کوچک بودن درآمد کمی را دارا هستند و مردم رغبت چندانی به کشاورزی ندارند. البته موانع اساسی‌تری هم در این مورد نقش دارند. این موارد از جمله، ایجاد سد عباس‌آباد و به زیر آب رفتن زمین‌های مرغوب پایین دست روستاها، ایجاد خانه‌باغ‌ها، تصرف زمین توسط منطقه ویژه اقتصادی و بازارچه مرزی سیرانبند، در دست داشتن زمین‌های پایین دست روستاها در دست خانزاده‌ها و همچنین تداخلات ارضی (با نهاد منابع طبیعی، هنگ مرزی و روستاهای مرزی و...) مهمترین عوامل هستند. یکی از کشاورزان روستای عباس‌آباد در مورد وضعیت اراضی این روستا چنین می‌گوید؛

" کشاورزی این منطقه سنتی است و درآمد خیلی کمی هم داره. بیشتر اراضی در دست عده‌ای هستند که در شهر زندگی می‌کنند. به نظر من شرایط ناهموار اراضی هم سبب شده که کشاورزی خیلی سخت بشه و در قسمت بالای روستاها با تداخلات اراضی روبرو بشیم" (م، معتمد روستای عباس‌آباد).

شرایط علی: تجاری شدن مرز

در ایران، مرز با دو عنوان قابل تفسیر است. یک بحث اقتصادی آن و دوم بحث سیاسی و امنیتی. در بحث اقتصاد راهکار این مناطق که بیشتر خود را در ایجاد مناطق آزاد تجاری و بازارچه‌های مرزی نشان می‌دهد حاکی از آن است که سیاست‌های دولت حول تجارت مرزی بوده است و به همین سبب باعث بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بخش‌های دیگر صنعتی و تولیدی بوده است. منطقه ویژه اقتصادی بانه در دهستان ننور و بازارچه مرزی سیرانبند از جمله این سیاست‌ها بوده است. نکته‌ای که بارها بدان اشاره شد عدم کاربرد این سیاست‌ها و مضر بودن این اقدامات برای روستاهای این دهستان بوده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

"منطقه ویژه تجاری و بازارچه صرفاً نام‌هایی هستند تو خالی و متاسفانه نقش چندانی در تحول این مناطق نداشته‌اند... به باور من تأثیری که کالای قاچاق و کولبری روی این شهر گذاشته است خیلی زیادتر است.... الان این منطقه ویژه هیچ فعالیت درست و حسابی نداره " (م، تاجر شهر بانه و فعال اقتصادی در سیرانبند).

تأثیرات اقتصادی مرزنشینی به حدی جدی است که نوسانات اقتصادی در داخل و خارج از کشور، تاثیرات خود را بر این مناطق خیلی سریعتر گذاشته است. وجود بازارهای دلالی، تاکید صرف بر تجارت مرزی و صادرات، وجود بازار گسترده‌ی مصرفی کردستان عراق و... سبب شده است که این منطقه به منطقه‌ای مبادله‌ای تبدیل شود. همین نگاه مبادله‌ای همه‌ی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود بالعل و بالقوه را با اضمحلال روبرو ساخته است. از سویی دیگر با نوعی دگردیسی فرهنگی-اجتماعی سروکار داریم که تجاری شدن بر زندگی و مناسبات اجتماعی و فرهنگی این مناطق گذاشته است. ما شاهد گسست از روابط سنتی، طایفه‌ای به یک روابط عقلانی، ابزاری هستیم. اعتماد و مشارکت منجر به انسجام اجتماعی در یک جامعه می‌گردد. اما این، انسجام اجتماعی (به‌عنوان مؤلفه‌ی دیگر سرمایه اجتماعی) با رشد فردگرایی و کاهش اقتدار مراجع محلی و هم‌چنین مهاجرت و رشد فرهنگ شهری شدن روستاها - که خود به منجر به دگردیسی اجتماعی- فرهنگی شده است- دچار زوال شده است.

"این دوره و زمونه شرایط زندگی سخت شده است و معمولاً هر کسی دنبال کار و بار خودشه. الان هر کسی برای خودش صاحب اختیار شده و حرف هیچکی رو نمی‌شونه... مثل قدیم نمونده.... خب شاید دلیلش به فشارهای اقتصادی و شرایط جامعه برگرده اما هرچی هست این قضیه واضحه که مردم مثل قدیم نموندن... قدیم مردم کمک حال همدیگه بودن البته همچنان تاحدودی این قضیه حفظ شده اما کمرنگ شده است" (ف، معتمد روستای قلی‌آباد)

تجاری شدن مرز تأثیر زیادی بر وضعیت آموزش و تحصیلات این دهستان گذاشته است. بر اساس آمارهای سال ۱۳۹۵ شهرستان بانه، از کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر نقاط روستایی شهرستان، ۱۵،۸۳ درصد درحال تحصیل بوده‌ند که این نسبت برای مردان ۱۸،۶۸ درصد و برای زنان ۱۲،۸۷ درصد بوده است. در این میان، بخش مرکزی با بیشترین درصد جمعیت ۶ ساله و بیشتر دارای ۲۰،۶۹ نفر درحال تحصیل است که این نسبت برای مردان ۲۳،۹۴ درصد و برای زنان ۱۷،۰۷ درصد می‌باشد و کمترین درصد جمعیت افراد در حال تحصیل در بخش ننور (۱۴،۴۸) است که این نسبت برای مردها ۱۶،۸۲ و برای زن‌ها ۱۲،۱ است. در این دهستان ۳۱۴ نفر محصل، ۹۱۸ نفر خانه‌دار، ۷ نفر دارای درآمد بدون کار و ۱۴۴ نفر سایر اعلام شده است. برای چند ده که اقتصاد مرزی و کولبری، معیشت مردم این مناطق را تامین می‌کرده است، وضعیت تحصیلات و فرهنگ رو به اضمحلال گرایده است و فرهنگ مصرف و شهری شدن حاکم گردیده است. در این رابطه روستاهای مورد مطالعه درگیر تغیراتی فرهنگی در حوزه‌های سبک زندگی، فردگرایی، شهرگرایی، سبک پوشش جوانان و.... هستند که متاثر از وضعیت شهر بانه و تغییرات سریع آن است. در این زمینه، مطالعات و مصاحبه‌های پژوهشگران با پژوهش‌های خالق‌پناه و کریم‌زاده (۱۳۹۰) و جلالی‌پور و باینگانی (۱۳۹۵)، همچنین قادرزاده و همکاران (۱۳۹۷)، همخوانی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

داشته و نتایج آنها را مورد تایید قرار می‌دهد. در این زمینه، یکی از مصاحبه‌شوندگان با مطالعات مفصلی که روی تغییرات فرهنگی و اجتماعی شهر داشته‌اند چنین می‌گوید:

"تغییرات در شهر بانه و دهستان ننور به حدی سریع بوده است که فرهنگ سنتی رو دچار اضمحلال نموده است و بدترین ضربه‌ای به که به اجتماع این مناطق زده است، بحث تغییر ارزش‌های اخلاقی است که نمود آن را در بروز آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، خیانت زناشویی، تجملگرایی و .... خود را نشان داده است" (ق، دانشجور دکترای جامعه‌شناسی و فعال مدنی).

بنابراین حک‌شدگی اقتصاد مرزی و سود چند ساله‌ی ناشی از بازارچه‌های مرزی و کولبری منجر به نادیده انگاشتن و پنهان نمودن این معضلات اساسی شده بود. به تبعید از *کارل پولانی*[1] می‌توان خاطر نشان ساخت که «کنار گذاشتن آرمان‌شهر بازار ما را با واقعیت جامعه مواجه می‌کند» (پولانی، ۱۳۹۱: ۲۶۷). این کنارگذاشتن که از سال ۱۳۹۶ تاکنون، اتفاق افتاده است، بسیاری از معضلات و تبعات را برملا نموده است. مصاحبه‌شوندگان اذعان می‌کردند که مرز و کولبری مسبب اصلی بسیاری از آسیب‌هایی است که زندگی در روستاها را به طرز بسیار وخیمی کشانده است. با وجود این، می‌توان تغییرات را از همین زاویه‌ی اقتصاد مرزی پیگیری کرد. کاهش تعادل اقتصادی مفهومی است که وضعیت اقتصادی این مناطق را نشان می‌دهد. براساس آن کولبری، هجوم سرمایه‌داران به مرز برای تجارت و ضعف بازارچه‌های مرزی تعادل اقتصادی این مناطق را بهم زده و سبب اضمحلال اقتصاد محلی شده‌اند.

شرایط مداخله ای: ضعف زیرساخت‌ها

بی تردید وجود محدودیت و محرومیت‌های شدید اقتصادی، و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و سایر پدیده‌ها که بر امنیت و ثبات همه جانبه این مناطق اثر می‌گذارند بسیار مهم است (طهماسبی‌وند و همکاران: ۱۳۹۵). به عبارت دیگر یکی از عمده‌ترین مشکلات روستاها و شهرهای مرزی گرایش سکنه‌های آن به مهاجرت به شهرهای بزرگ بخصوص مرکز و پایتخت است که از دلایل عمده آن می‌توان به تبعیض در رفاه، امکانات و زیرساخت‌ها، اشتغال، جایگاه اجتماعی و به طور کل تبعیض در وجه و اهمیت دولتمردان دانست (خالقی، ۱۳۹۱). وجود زیرساخت‌هایی از جمله راه‌های ارتباطی آسفالته، وجود خدمات رفاهی، وجود تعمیرگاه‌ها و فروشگاه‌ها و... در مسیر روستاها می‌تواند کاربری آنها را ارتقا دهد اما این امر در دهستان ننور کمتر دیده می‌شود. مصاحبه‌شوندگان بر نبود امکانات کافی و ضعف زیرساخت‌های چون راه آسفالته، نبود خدمات رفاهی و ... تاکید داشتند؛

"اینجا راه آسفالته‌اش خیلی بده، باید دو بانده بشه جاده‌اش اما نیست. راه ده‌ها روستاس که کامیون‌ها و ترانزیت‌ها هم در آن عبور و مرور دارن. همین امسال چند تا تصادف داشتیم در این مسیر. نه مرکز خرید کشاورزی داریم نه فروشگاه و ... ." (و، کارمند بازارچه سیرانبند).

یکی از مهمترین مسائل در رابطه با عدم سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و اقتصاد، رابطه نگاه امنیتی با تجارت مرزی و تاسیس کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در این مناطق است. این امر در عدم تمایل به سرمایه‌گذاری

[1] polani, k

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

نشان داده است. از سویی دیگر، متولی همه‌ی بخش‌های اقتصادی در مرزها دولت است و راه‌های سرمایه-گذاری با قبض و بسط نگاه‌ها و سیاست‌های دولتی گره خورده است. مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل مهم عدم سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های این مناطق را نگاه امنیتی دولت و حاکمیت نسبت به این مناطق می‌دانند؛

"هرکاری انجام بدی مانع ایجاد می‌کنند. این منطقه محرومه چون که به شدت بهش نگاه نظامی و امنیتی دارن... کمترین امکانات رو داره و چون ممکنه از این امکانات بهره‌برداری سیاسی و نظامی بشه، مانع توسعه زیرساخت‌های آن میشن... به نظر من تا این نگاه برداشته نشه، توسعه این منطقه محقق نمیشه... " (ک، شورای روستای عباس آباد).

نکته‌ای که وجود دارد کمبود زیرساخت‌های کشاورزی و دامداری است. آنچه در اینجا حائز اهمیت است وجود انبارها، سردخانه‌ها و صنایع تبدیلی است برای نگه‌داری و فراوری محصولات کشاورزی و دامی می‌باشد. با توجه به پتانسیل‌های دشت مریوان_ خاک و آب فراوان_ برای کشاورزی و رغبت مردم برای تولید محصولات کشاورزی صنعتی و نیمه صنعتی متاسفانه کمبود این زیرساخت‌ها موجب شده است که کشاورزی به شیوه‌ی سنتی انجام شود و بازدهی منابع پایین بیاد.

پیامدها: ناپایداری و کاهش تاب آوری اجتماعی-اقتصادی

هزینه‌های بالا در مناطق، وابستگی به نهادهای حمایتی و بیکاری شدید سه مقوله‌ای هستند که ناپایداری و کاهش تاب‌آوری اجتماعی این مناطق را نشان می‌دهد. این پیامدها، حاصل عوامل و شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌ای هستند که اقتصاد مرزی ایجاد نموده است. مهمترین مؤلفه‌ای که مورد نظر است، کاهش تاب آوری مرزنشینان در وضعیت اقتصاد مرزی است. این اقتصاد سبب شده است مثلث (اقتصاد مرزی_فقر معیشتی_ ناپایداری و کاهش تاب‌آوری[1]اجتماعی_ اقتصادی)، شکل بگیرد که به سبب آن با کاهش تاب‌آوری این مناطق و به موازات آن کاهش زیست‌پذیری روبرو شویم. در فضای این مناطق مهاجرت به شهر نمود عینی و محموسی از تغییرات کالبدی_فضایی است. یکی از دلایل اصلی مهاجرت به‌ویژه در روستاهای بخش ننور، نبود امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی بوده است. این امر روستاها رو با تخلیه‌ای اجباری در چند سال اخیر روبرو ساخت است. برای نمونه روستاهای هنگه‌ژال، بروشکانی، سرتزین، اشترآباد، شیلمان و کانی سور، کانی سیلمه و ندر در معرض تخلیه هستند و جمعیت کمی در آنها زندگی می‌کنند که عمدتا افراد سالخورده هستند. بنابراین یکی از مهمترین آسیب‌های پیش‌رو تخلیه این روستاها می‌باشد. رئیس شورای بخش ننور در این باره چنین می‌گوید:

" این ده سال اینقد به این منطقه بی‌توجهی شد و امکاناتی رو به ما ندادن که ما شاهد مهاجرت جوانان-مون به شهر بانه شدیم. خب حق هم دارن. نه خدماتی، نه جاده‌ای و نه کاری ... من بارها این وضعیت

[1] می‌توان گفت تاب آوری عبارت است از توانایی بازیابی پس از شرایط یا رویدادهای غیر منتظره و شدت اختلالی که سیستم می‌تواند آن را جذب کند. تاب آوری ظرفیت یک سیستم برای مقاومت یا سازش در برابر اختلال است و از طرفی به دنبال حفظ ساختار های پایه و عملکرد سیستم می باشد

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

خالی شدن روستاها رو در جلسات بخشداری و فرمانداری مطرح نمودم اما متاسفانه کاری نکردند... "(ص، رئیس شورای بخش ننور).

در بافت اجتماعی- اقتصادی این مناطق وابستگی به حمایت‌های نهادهای دولتی از جمله کمیته امداد و بهزیستی (بنگرید به هدایت و باسیتی، ۱۴۰۰) و همچنین تاثیر بسیار زیاد بیکاری و افزایش هزینه‌های خرید کالا و عدم فروش محصولات کشاورزی و دامی این مناطق را با« فقر معیشتی»[1]روبرو ساخته است. نمود عینی این وابستگی و فقر دردهستان ننور بیکاری شدید آن است. هرچند که این امر مختص دهستان ننور و شهرستان بانه نمی‌باشد. براساس آماره‌های سال ۱۳۹۵ جمعیت استان کردستان ۱۶۰۳۰۷۷ نفر بوده است. از این تعداد ۱۱۳۴۲۹۹ نفر ساکن در نقاط شهر، ۴۶۸۷۷۸ نفر ساکن در نقاط روستایی بوده‌اند که برابر با ۲۹/۲۴ درصد است. همچنین میزان روستانشینی در این استان در بازه‌ی زمانی ۱۵ ساله، دچار کاهش ۳۳.۱۱ درصدی شده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۵؛ فرهنگ آبادی‌های استان کردستان، ۱۳۹۵). این کاهش بی‌سابقه که بیش از ۵ برابر میزان کشوری می‌باشد، نشان‌دهنده محرومیت و توسعه‌نیافتگی و عدم و وجود اشتغال در مناطق روستایی استان است، چرا که یکی از اساسی‌ترین دلیل کاهش جمعیت مناطق روستایی که ناشی از مهاجرت است، نبود زیرساخت‌های اقتصادی و اشتغال روستایی است. در دهستان ننور اما این امر به مسئله‌ای جدی بدل گشته است و از بین سایر دهستان‌های شهرستان بانه، بیشترین آمار بیکاری را بعد از دهستان بویین به خود اختصاص داده است. دهستان ننور دارای ۲۶۸۷ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر است که ۱۱۲۸ نفر آن شاغل و ۱۷۴ نفر آن بیکار هستند و درصد بیکاری در این دهستان به ۱۳/۴ درصد می‌رسد (فرهنگ آبادی‌های استان کردستان، ۱۳۹۵). با وجود این، مصاحبه‌شوندگان بر لزوم اشتغالزایی پایدار در این منطقه اصرار دارند و آن را بهترین راهکار پیشرو می‌دانند؛

"به نظر من بیکاری شدید مسبب کولبری، فقر و وابستگی مردم شده است. این معضل به حدی جدی است که دامن شهرهای بانه و سقز و... را گرفته و حاشیه‌نشینی و فقر شهر نمود عینی آن هستند. بیکاری جوانان خیلی زیاد شده و هیچ حرفه و شغلی رو ندارن" (ک. دهیار روستای تروسکانی).

این آمار و مصاحبه‌ها، نشان‌دهنده‌ی وضعیت تاسف‌بار بیکاری در این دهستان می‌باشد. هرچند پدیده-ی کولبری را نباید به معضل بیکاری تقلیل داد، اما قطعا مهمترین دلیل کولبری، بیکاری می‌باشد. این امر، زاده‌ی فقر چند بعدی و گسترده‌ای است که گریبان‌گیر این مناطق شده است. توصیف و تحلیل بیکاری به راحتی پرده از وضعیت نابسامان، عقب‌ماندگی و انزوای این مناطق برمی‌دارد که پیشتر با وجود بازارچه‌ها و تجارت مرزی نامرئی مانده بود. این وضعیت، سبب ناپایداری اجتماعی_اقتصادی در این مناطق شده است و عملا زیست‌پذیری روستاها را با چالش جدی مواجه کرده است. اما در این وضعیت، مرزنشینان و نهادهای دولتی راهبردهایی را برای پایداری اجتماعی_اقتصادی و زیست‌پذیر نمودن روستا انجام داده‌اند.

[1] این مفهوم ماخذ و تعبیری متفاوت از ایده‌های مجید رهنما (۱۳۸۵) است که در مطالعات خود نشان داده است. او از سه نوع فقر فقر خودخواسته، فقر همزیستانه و فقر مدرن یا همان «بینوایی » نام می‌برد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

راهبردهای اتخاذه: اقدامات نهادی و محلی برای زیست‌پذیری روستایی

اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است و فعالیتهای کشاورزی هم، غالباً در روستاها انجام می‌شود. لذا از یک طرف به خاطر بهبود بخشیدن به روش‌های سنتی تولیدات کشاورزی و بهره‌برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی و از سوی دیگر تخفیف گرسنگی و محو فقر و از طرف دیگر به منظور نوسازی اجتماعی و فرهنگی روستاها که خود منبعث از توجه به مسائل انسانی و ضرورت‌های سیاسی است، موضوع توسعه روستایی و اهمیت آن آشکار می‌گردد (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۸۳:۱۳۸۸). از همین روست که اقتصاد محلی، به عنوان مهمترین نقطه ثقل توسعه درون‌زا مطرح می‌گردد. در اینجا منظور از اقتصاد محلی شیوه‌های معیشتی است که جامعه‌های محلی اتخاذ می‌کنند تا امرار معاش کنند و درآمد و اقتصاد خود را داشته باشند. اقتصاد محلی در روستاها حول منابع زمین می‌چرخد. کشاورزی، دامداری، و صنایع دستی و... از جمله مهمترین راه‌هایی است که با آن اقتصاد محلی روستایی شناخته می‌شود. با توجه به شرایط جغرافیایی و مرزی و تجاری شدن مرز و همراستا با آن، ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای در این مناطق پیامدهایی به‌وجود آمد که در نتیجه‌ی آنها در دهستان ننور با ناپایداری و کاهش تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی روبرو هستیم. با وجود این، از سوی مرزنشینان روستایی و نهادهای ذی‌مدخل و ذی‌ربط اقداماتی انجام شده است. عمران و بازسازی روستاها، رونق کشاورزی و روی آوردن به دامداری مدرن و بازگشت به روستا و مهاجرت معکوس از جمله مهمترین اقداماتی بوده‌اند که در چند سال توسط مرزنشینان در روستاها به اجرا درآمده‌اند. مشاهدات و مصاحبه‌ها حاکی از وجود همکاری و همیاری در زیست‌پذیرنمودن روستاها دارد به شویه‌ای که اقداماتی همچون عمران و آبادانی روستاها، کمک به طرح هادی، جمع‌آوری زباله و بازسازی باغات و اراضی کشاورزی بایر و ... را می‌توان نام برد. مصاحبه‌شوندگان از این اقدامات به نجات و رهایی از مرگ روستاها نام برده و مهترین سبب آن را وجود «سرمایه‌ی اجتماعی بازگشته»[1] می‌دانند. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به‌طوری‌که در مواقع بحرانی می‌توان از سرمایه اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود بُرد. درباره تأثیر سرمایه اجتماعی بر همکاری و همیاری در اقدانات محلی یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید؛

" الان همه‌مون یه جورایی بهم وابسته شده ایم. قبلاً عده‌ای مهاجرت کردن به شهر و عده‌ای به کارهای روستا بی‌اعتنا شده بودند. اما الان با دیدی دیگه‌ای میخوام روستا رو بازسازی کنیم. الان کم کم مردم به فکر خونه ساختن و باغ و کشاورزی و... هستند توی روستا... همدیگر رو هم کمک می‌کنند و وضعیت بهتره شده از چند سال قبل" (ن، دهیار روستای ننور).

در این میان اما اقدامات نهادی به تعبیر مصاحبه‌شوندگان نتیجه مثبت چندانی نداشته‌اند. از مهمترین اقدامات نهادهای دولتی از جمله فرمانداری، استانداری، گمرک و بازارچه مرزی، اختصاص کارت

[1] این مفهوم حاکی از یک سری تحولات و تغییرات مثبتی است که سبب ایجاد روابط و تعاملات گروهی بین اعضایی شده است که پیش‌تر این روابط و تعاملات با فرسایش یا اضمحلال مواجه بوده است.

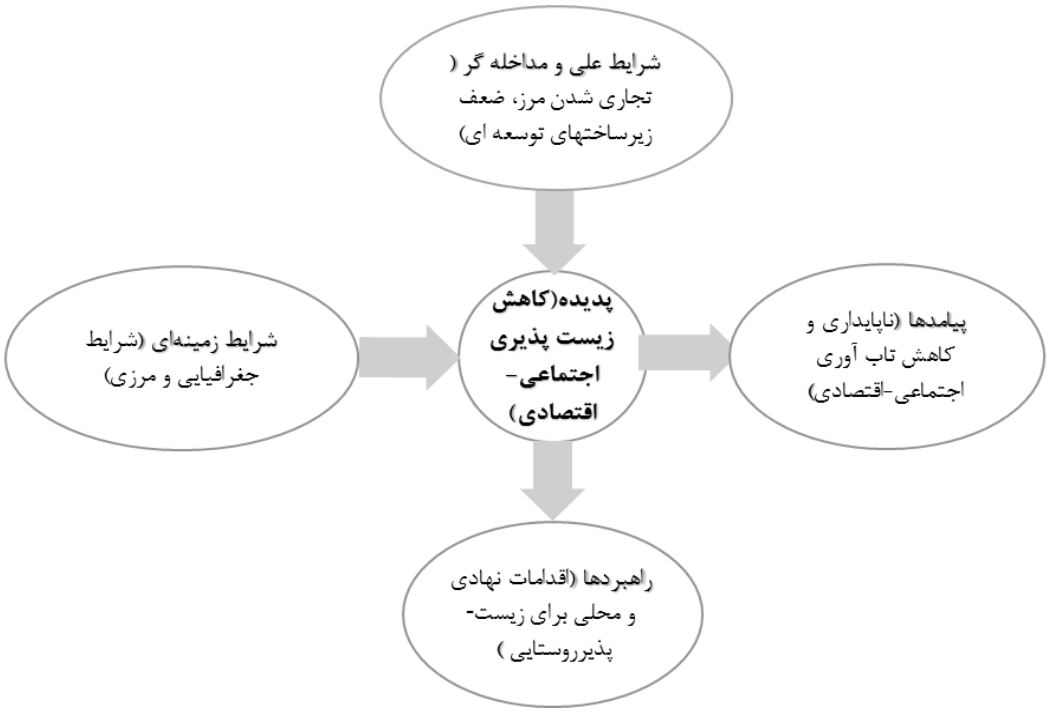
[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

مرزنشینی، کارت سوخت مرزنشینان و ایجاد تعاونی مرزنشینان بوده است. این اقدامات گرچه با هدف کاهش مشکلات و آسیب‌ها در این مناطق بوده است اما مقطعی، با صبغه‌ی ایدئولوژیکی و سیاسی انجام گرفته و هیچ برنامه بلند مدتی را در پیش نگرفته‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره این اقدامات می-گوید؛

" این اقدامات نتوانسته وضعیت بد اینجا رو سروسامان بده... بیکاری زیاده، کولبری زیادتر شده و هر روز مردم فقیرتر میشن... پول و هزینه این اقدامات فقط به جیب عده‌ای رفت. هیچ برنامه مشخصی هم برای ادامه کار نداشتند... " (رئیس شورای بخش ننور).

بنابراین، و با توجه به یافته‌ها، می‌توان مدل پارادایمک پژوهش حاضر را براساس روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای چنین رسم نمود:



شکل ۲. مدل پارادایمک پژوهش

۵) نتیجه‌گیری

واقعیت‌های موجود نشان‌دهنده این است که در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های زیادی در زمینه شاخص‌های توسعه، به‌ویژه در ارتباط با موضوع توسعه پایداراروستایی وجود دارد. شکاف و نابرابری موجود تا حدود زیادی به‌دلیل عدم شناخت امکانات و استعدادهای مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی صحیح در مکان‌های جغرافیایی است. نابرابری‌های موجود، سبب شکل‌گیری یک طیف سلسله مراتبی از سکونتگاه‌های شهری و روستایی شده که در بالاترین سطح، سکونتگاه‌های برخوردار و برعکس، در پایین‌ترین سطح سلسله مراتب تشکیل شده، ضعیف‌ترین سکونتگاه‌ها و یا به عبارت دیگر، سکونتگاه‌های محروم واقع می‌شود. روستاهای مرزی از جمله مناطقی هستند که می‌توان گفته دلایل جغرافیایی، مرزی بودن و در حاشیه ماندن، اقدامات و سیاست‌های دولتی و نهادی و نگاه امنتی و سیاسی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

بیشتر در معرض محرومیت بوده‌اند. آنچه در این پژوهش، مطرح شد بیشتر حول این قضیه بوده است که روستاهای مرزی به دلیل غلبه اقتصاد مرزی به وضعیتی دچار شده‌اند که در نتیجه آن با کاهش زیست-پذیری اجتماعی و اقتصادی مواجه گشته‌اند. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شد که با استفاده از چهارچوب نظری و مفهومی توسعه پایدار و زیست‌پذیری روستایی به شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌ای و پیامدها و راهبردهای اتخاذ شده در این وضعیت پرداخته شد تا بتوان با استفاده از مصاحبه با مطلعین کلیدی به پاسخ‌هایی دست پیدا کنیم. برای این منظور سعی شد مصاحبه‌ها در قالب مفاهیم، مقولات اولیه و ثانویه مورد تفسیر و تبیین واقع شده و مبنای کار براساس مبانی نظری و داده‌های جمع‌آوری شده به پیش رود. با وجود این، نتایج نشان داد که شرایط جغرافیایی و مرزی به عنوان شرایط زمینه‌ای حادث شده در کاهش زیست‌پذیری و زمینه‌ساز اقتصاد مرزی در نظر گرفته شود. به این شیوه که شرایط ناهموار زمین‌ها، خرد شدن اراضی، عدم رغبت به استفاده از منابع زمین توسط مردم محلی و تداخلات ارضی سبب شده‌اند که زمینه‌ی نامساعدی برای ایجاد ناپایداری فراهم آید. علاوه بر آن تجاری‌شدن مرز به عنوان مقوله‌ای که دالِ بر سیطره‌ی مناسبات بازار بر فضای مرزی دارد سبب گردیده که علت اصلی سیطره و تأثیر اقتصاد مرزی بر روستاهای مرزی مشخص شود. این امر با پدیده‌های دگردیسی اجتماعی-فرهنگی و کاهش تعادل اقتصادی روبرو بوده است این نتایج بیشتر با نتایج پژوهش احمدرش و عبده‌زاده (۱۳۹۶)، سنخیت دارد. همراستا با این شرایط، شرایطی دیگر به تشدید تاثیر اقتصاد مرزی بر کاهش زیست‌پذیری روستا کمک کند. این عامل مداخله‌گر، ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای اعم از راه‌های آسفالته، کمبود خدمات رفاهی و فروشگاه و ... است. استنباط مصاحبه‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نتیجه‌گیری پژوهش محمدی و هوشنگی (۱۳۹۷)، که در مناطق روستایی مورد نظر انجام گرفته است، همخوانی ندارد. ایشان در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که بازارچه‌های مرزی در بهبود وضعیت کالبدی-فضایی به ویژه در زمینهٔ بهبود شبکهٔ حمل و نقل، شبکهٔ مخابرات، فروشگاه و مغازه‌ها و ...در منطقهٔ مرزی تأثیر مثبتی داشته‌اند، اما روایت مصاحبه‌شوندگان به طرز معکوسی نمایان است. این بازارچه‌ها تاثیر به سزایی بر امکانات و زیرساخت‌های این روستاها نداشته‌اند. این عوامل در نهایت منجر به ناپایداری و کاهش تاب‌آوری اجتماعی_اقتصادی روستاهای مورد مطالعه شده است. این امر خود را در مقولات هزینه‌های بالا در مناطق، وابستگی به نهادهای حمایتی، بیکاری شدید، عدم فروش محصولات روستاییان و بازار دلالی و مهاجرت شدید به شهر نشان داده است. با استناد به مصاحبه‌ها، می‌توان چنین گفت که نتایج کار محمدی و هوشنگی (۱۳۹۷)، در رابطه با تاثیرات بازارچه‌های مرزی تأسیس شده که موجب ارتقای سطح قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه نسبت به دورهٔ قبل از تأسیس شده‌اند و از سویی دیگر نیز در میان ابعاد چهارگانهٔ زیست‌پذیری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی را افزایش داده‌اند، را رد می‌کنند. در مقابل با مطالعه دانشمهر و همکاران (۱۳۹۹) و هدایت و باسیتی (۱۴۰۰)، ویسی و همکاران (۱۳۹۶)، هدایت و باسیتی (۱۳۹۹)، همخوانی دارند. بنابراین با توجه به کاهش زیست-پذیری روستا، روستاییان و نهادهای دولتی دست به اتخاذ راهبردها و اقداماتی زده‌اند. اقدامات روستاییان بیشتر در قالب عمران و بازسازی روستا، رونق کشاورزی و روی آوردن به دامداری مدرن و بازگشت به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

روستا و مهاجرت معکوس بوده است که سبب آن را مصاحبه شوندگان، سرمایه اجتماعی بازگشته به روستاها قلمداد نمودند. در مقابل اما اقدامات نهادهای دولتی به‌تعبیر مصاحبه‌شوندگان مقطعی و با دیدی سیاسی و ایدئولوژیک انجام گرفته‌اند که غالباً نتیجه مثبتی نداشته‌اند.

۶) منابع

- احمدرش و رشید و عبده زاده، سیروان، (۱۳۹۶)، **مطالعه کیفی بازنمایی پیامدهای اقتصاد مرزی در زندگی مرزنشینان کردستان**، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۹ (۲).
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت، (۱۳۹۴)، **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، تهران: نشر نی.
- پولانی، کارل، (۱۳۹۱)، **دگرگونی بزرگ؛ خاستگاه‌های اقتصادی و سیاسی روزگار ما**، ترجمه‌ی محمد مالجو، تهران: نشر شیرازه.
- جلالی‌پور، حمیدرضا و باینگانی، بهمن، (۱۳۹۵)، **مطالعهٔ جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی (اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه)**، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، (۵) ۴، ۵۳۹-۵۷۳.
- حکیم‌دوست، سیدیاسر و رستمی، شاهبختی و مرادی، محمود و نظری، عبدالحمید، (۱۳۹۵)، **تحلیل فضایی پهنه‌های خطر پذیر زیستی و فعالیتی سکونتگاه‌های روستایی مناطق مرزی، مطالعه موردی: سکونتگاه های روستایی شهرستان هیرمند**، اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۵(۹۹)، ۷۱ـ۹۲.
- خالق‌پناه، کمال و کریم‌زاده، هیوا، (۱۳۹۰)، **فرهنگ‌های مصرف محلی در شهر بانه: اتنوگرافی فرهنگ محلی در مواجهه با امر جهانی**، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۶(۱).
- خالقی، موسی، (۱۳۹۱)، **شهرهای مرزی و مسائل امنیتی و انتظامی**، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت،چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- دانش‌مهر، حسین و خالق‌پناه، کمال و هدایت، عثمان، (۱۳۹۹)، **توسعه مرز محور و اضمحلال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماعات مرزی؛ با تاکید بر نقد بازارچه‌های مرزی (مورد مطالعه؛ بازارچه‌های مرزی ننور شهرستان بانه و خاو و میر آباد شهرستان مریوان)**، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۲ (۴۳).
- رهنما، مجید، (۱۳۸۵)، **هنگامیکه بینوایی فقر را از صحنه بیرون می‌راند**، ترجمه حمید جاودانی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- زاهدی، شمس السادات، (۱۳۸۵)، **توسعه پایدار**، انتشارات، سمت: چاپ دوم.
- طهماسبی وند، آرزو، طهماسبی وند، مریم و جسارتی، علی، (۱۳۹۵)، **شهرهای مرزی و نقش آن در امنیت و ثبات کشور**؛ اولین کنفرانس ملی علوم جغرافیا، اردبیل.
- عزتی، نصراله و حیدری‌پور، اسفندیار و اقبالی، ناصر، (۱۳۹۰)، **نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)**، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، (۳)۴، ۱۹۷- ۱۷۹.
- عنبری، موسی، (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران: نشر سمت.
- عیسی‌لو، علی‌اصغر و بیات، مصطفی و بهرامی، عبدالعلی، (۱۳۹۳)، **انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)**، مسکن و روستا، (۴۶)، ۱۰۷-۱۲۰.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

- فراستخواه، مقصود، (۱۳۹۸)، **روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر "نظریه ی برپایه" گراندد تئوری**(GTM)، ناشر: آگاه.
- **فرهنگ آبادی‌های استان کردستان**، (۱۳۹۵).
- فلیک، اووه، (۱۳۸۷)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قادرزاده، امید و خالق‌پناه، کمال وکریم‌زاده، هیوا، (۱۳۹۷)، **مصرف و هویت مطالعه مردم شناختی جوانان بازاری شهر بانه**، راهبرد فرهنگ، شماره چهل و یکم، بهار ۱۳۹۷.
- قلی‌پور، رحمت‌الله، آقاجانی، رضا، (۱۳۹۳)، **بررسی تجربه توسعه ترکیه با تأکید بر برنامه‌های توسعه و مقایسه آن با ایران**، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان؛ به‌سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد۱۳۹۳.
- کراسول، جان، (۱۳۹۴)، **پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت‌پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)**، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و شمسایی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، توسعه و کشاورزی پایدار (از دیدگاه اقتصاد روستایی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدپور، احمد، (۱۳۹۲)، **روش تحقیق کیفی ضد روش**، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محمدی، سعدی و هوشنگی، هیمن، (۱۳۹۷)، **تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مرزی در زیست‌پذیری نواحی روستایی (موردشناسی: دهستان‌های خاوومیرآباد و دزلی در غرب استان کردستان)**، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، شماره ۲۸، ۹۰_۶۹.
- نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاه پوش، اسحاق، (۱۳۸۸)، **مبانی توسعه پایدار شهری**، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- هدایت عثمان، باسیتی شهرام، (۱۳۹۹)، **مرزنشینی، اقتصاد مرزی و آسیب‌های خانواده (موردمطالعه؛ شهرهای مرزی بانه و مریوان)**، رفاه اجتماعی. ۱۳۹۹; (۲۰) ۷۷: ۱۴۱-۱۸۰.
- هدایت، عثمان، باسیتی، شهرام، (۱۴۰۰)، **مرزنشینان و وابستگی به نهادهای حمایتی مردم‌نگاری نهادی سیاست‌های حمایتی در روستاهای مرزی دهستان خاو و میرآباد شهرستان مریوان**. پژوهش‌های روستائی,(۱۲) ., ۵.
- ویسی، فرزاد و قربانی، محمد صدیق و داستوار، عدنان، (۱۳۹۶)، **تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)**، پژوهش‌های روستایی، ۸(۳)، ۵۱۹_۵۳۵.
- Ahmadypour, Zahra,. (2013), **The Role Of Border Markets In Regional Security Case study: Bashmagh Border Market in Marivan,** Iran, Geopolitics Quarterly, Vol 8, No 4, pp. 72-92.
- Bacsi, Zsuzsanna.,2006, **The role of cross-border cooperation in rural development-a new European perspective**, Proceedings from the First International Conference on Agriculture and Rural Development ,Topeka, Croatia,pp. 23-25.
- Barron, L. and Gaunlett, E., 2002, **Housing and Sustainable Communities**, Indicators project, western Australian council of social service.
- Bryden, I,. ۲۰۰۰, **Rural Development Indicators and Diversity in the European Union.**
- Goodland, R., 2003, **Sustainability Human, Social, Economic and Environmental**, World Bank Washington DC, USA.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]

- Harris, M.J., 2000, **Basic Principles of Sustainable Development**, Global Development and Environment institute, Tufts University Medford MA ۰۲۱۵۵, USA.
- Long, D., 2003, **Atoolkit of Indicators of Sustainable Communities' Formerly a Toolkit of Sustainability Indicators**, the housing corporation and European institute for urban affairs.
- Meadows, D., 1988, **Indicators and Information Systems for Sustainable Development; A Report to the Balaton Group, Indicators and Information Systems for Sustainable Development**, Published by the Sustainability Institute.
- National Association of Regional Councils. 2010. **Rural benefits of The Livable Communities Act.** Available at: www.narc.com.
- Norris, T., & Pittman, M. (2000). **The health community's movement and the coalition for healthier cities and communities**. Public Health Reports, 115 (2-3), 118-124.
- Omar, S. (2005). **Challenges of the K-Era: The psychological contract of knowledge sharing and organizational commitment**. International Journal of Knowledge, Culture and Change Management, 4, 1061-1073.
- Seymoar, J. (2008). **Principles of livable communities**, journal of environmental science, 12(1).
- Vergunst, P. (2003). **Livability and ecological land use the challenge of localization**. PhD Thesis in Department of Rural Development Studies. Swedish University of Agriculture. http://www.merriam-webster.com/dictionary/livability visited at January 2012

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.7.9]